

بررسی ضرورت تشکیل و تکالیف پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۰/۳/۱۴

امیر ملکزاده *

حمید هاشمی **

چکیده

اطفال و نوجوانان دارای طبعی انعطاف‌پذیر و حساس بوده که قابلیت خاصی در اصلاح و تربیت دارند. از آنجا که بزهکاری اطفال و نوجوانان پدیده‌ای زیستی، اجتماعی و روانی است، سهل‌انگاری در حمایت (مادی و معنوی) و تربیت (خانوادگی) این گروه سنی منجر به گرایش آنها به بزهکاری و ارتکاب جرم خواهد شد که پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان نیازمند تدابیری همه‌جانبه از سوی نهادها و سازمان‌های دولتی و مدنی خواهد بود و استفاده از پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان در فرآیند کیفری نظر به توانایی و ویژگی‌های خاص رفتاری در پیشگیری از بزهکاری و رعایت منشور حقوقی این طیف سنی (از بعد حمایتی و تربیتی) نسبت به بزهکاری بزرگسالان (از جنبه ارعابی و انصرافی) مثمر‌تر خواهد بود.

هدف از این پژوهش بررسی ساختار پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان در برخی از کشورهای پیشرفته و تبیین ضرورت تشکیل این پلیس تخصصی در ساختار نیروی انتظامی و توانمندی خاص رفتاری آنها در رعایت حقوق و پیشگیری از بزهکاری اطفال

* کارشناس ارشد حقوق عمومی و مدرس دانشگاه

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و مدرس دانشگاه

و نوجوانان است.

این پژوهش دارای اهمیت کاربردی و از نظر روش و ماهیت توصیفی - تحلیلی است. نتایج حاکی از آن است که روحیات و حساسیت خاص رفتاری و شخصیتی اطفال و نوجوانان نیازمند برخوردی خاص و متمایز از بزرگسالان است و به منظور اطمینان از رعایت حقوق و منافع کودکان و نوجوانان با هدف کاهش و پیشگیری از بزهکاری آنها با در نظر گرفتن طبع حساس کودکان و نوجوانان تشکیل پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی امری ضروری است.

واژگان کلیدی:

پلیس زن، اطفال، نوجوانان، بزهکاری، ارتکاب جرم

بیان مسئله

افراد جامعه سرمایه‌ها و منابع انسانی آن جامعه محسوب می‌شوند و پیشرفت و توسعه جامعه ارتباط مستقیمی با کیفیت منابع انسانی آن دارد و اطفال و نوجوانان اصلی‌ترین و مهمترین بخش این منابع تلقی می‌شوند. «کنفوسیوس حکیم چینی معتقد است اگر قصد دارید سرمایه‌گذاری یک ساله نمایید، برنج بکارید و اگر قصد دارید سرمایه‌گذاری میان مدت نمایید درخت بکارید ولی اگر قصد دارید سرمایه‌گذاری بلند مدت نمایید، انسان تربیت کنید (رجبی‌پور، ۱۳۸۲: ۹). پس سرمایه‌گذاری در مورد اطفال بهترین سرمایه‌گذاری است که هر دولتی می‌تواند انجام دهد و هیچ کشوری بدون سرمایه‌گذاری عظیم در مورد اطفال خود به توسعه پایدار و ارزشمند نخواهد رسید و در ارتباط با بزهکاری این گروه سنی تشکیل پلیس زن اطفال و نوجوانان می‌تواند ضمن حفظ و رعایت حقوق منحصر به فرد آنها، نقشی اساسی و مهم در حمایت و هدایت و شخصیت رفتاری این رده سنی داشته باشد. در فرآیند دادرسی کیفری پلیس معمولاً نخستین تماس را با اطفال بزهکار دارد و با وقوع جرم به طور معمول پلیس نخستین کسی است که مداخله می‌کند و کلانتری نخستین مکانی است که اطفال بزهکار پس از دستگیری وارد آن می‌شوند. در این محیط جدید که غالباً رعب و هراس (از جهت بزهکاری، محیط پلیسی و بازجویی...) به شدت امنیت روانی او را تحت الشعاع قرار می‌دهد، شیوه برخورد

اولیه پلیس با اطفال و نوجوانان بزهکار تأثیر زیادی بر نوع و تکرار بزه و پیشگیری از بزهکاری او در آینده خواهد داشت و چه بسا برخورد غیرعاطفی و نامتناسب با روحیات طفل بزهکار باعث تجری او نسبت به تکرار بزه و زمینه‌ساز ارتکاب سایر جرایم او در آینده شود. در حال حاضر اطفال و نوجوانان بزهکار پس از دستگیری جهت تکمیل پرونده مقدماتی به کلانتری دلالت می‌شوند، محیطی که ذکر نام آن برای اطفال و نوجوانان ارباب‌انگیز است. این محیط محل بازجویی تبه‌کاران و مجرمان است و قراردادن اطفال و نوجوانان بزهکار در کنار مجرمان بزرگسال و بازجویی از آنها توسط پلیس (غیر تخصصی اطفال) باعث جریحه‌دار شدن و لطمه شدید روحی این گروه سنی شده و سبب جسارت و تعدی آنها در ارتکاب و تکرار سایر جرایم در آینده خواهد شد. از این رو برای حمایت از حقوق ویژه و متمایز این گروه سنی و در راستای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ضرورت تشکیل پلیس زن اطفال و نوجوانان با ساختار ویژه در نیروی انتظامی احساس می‌شود تا این پلیس تخصصی با ایجاد شرایط محیطی خاص (متمایز از بزرگسالان) و با آشنایی با دنیای کودکان آنها برخوردی متناسب و منحصر به فرد به منظور کاهش و پیشگیری از ارتکاب جرایم اطفال و نوجوانان داشته باشد.

اهمیت و ضرورت موضوع

از بارزترین سرمایه‌های یک کشور کودکان آن جامعه‌اند که اگر سرمایه‌گذاری مادی و معنوی صحیحی انجام شود، بالطبع از آینده‌ای بدون وا همه برخوردار خواهیم شد در غیر اینصورت اطفال بزهکار امروزی به جانی خطرناک آینده تبدیل خواهند شد لذا رعایت حقوق آنان وظیفه تک تک ماست. برای تمامی بشریت مایه شرمساری است که تعداد اطفال (بزهکار) روزانه افزایش یابد در حالیکه وضعیت زندگی و میزان رعایت حقوق اطفال و زنان می‌تواند یکی از مهمترین شاخص‌های استحکام جوامع و رعایت حقوق شهروندی باشد. اما در بزهکاری اطفال و نوجوانان، با توجه به اینکه نیروی انتظامی در تحقیقات مقدماتی پلیسی خود (در قیاس با جرایم بزرگسالان) کمبود منابع مادی و انسانی دارد (به علت حجم بالای ارجاعات و مأموریت‌های ناجا) و اینکه اغلب کارکنان در خصوص نحوه برخورد با اطفال بزهکار هیچ‌گونه

آموزش یا دوره‌ای خاص نگذارنده‌اند و نبود آموزش و کمبود منابع نیروی انسانی و همچنین تفکیک نکردن گروه‌های پلیسی (پلیس زن و پلیس مرد) در تحقیقات مقدماتی بزهکاری اطفال با بزرگسالان تهدیدی جدی علیه حقوق این قشر از بزهکاران و سبب تعدی و تجری آنها در تکرار جرایم آنها در آینده است. مهمترین هدف اصلاح و تربیت، پیشگیری از تکرار بزهکاری آنها، حفظ شخصیت کودکان اطفال و رعایت حقوق منحصر به فرد آنها است. در این میان پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان با توجه به شرایط، قابلیت و توانمندی‌های خاصی که دارد می‌تواند نقش بسزایی را ایفا نماید. پلیس کشورهای توسعه یافته به این مهم توجه خاصی نموده و نسبت به تشکیل این نهاد (پلیس زن اطفال) در ساختار پلیس خود اقدام کرده‌اند تا بتوانند با توجه به شخصیت اطفال و نوع نگرش آنها نسبت به جامعه تحقیقات مقدماتی پلیسی ویژه و متمایز از بزرگسالان داشته باشند. بنابراین، وظیفه اصلی پلیس زن اطفال و نوجوانان در حمایت و هدایت اطفال بزهکار ضمن رعایت حقوق ویژه آنها و تلاش برای کاهش و پیشگیری از تکرار جرم آنها در آینده است.

یکی از انگیزه‌های اصلی در انتخاب موضوع پژوهش، نبود پژوهشی جامع در خصوص ضرورت تشکیل پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان است و اطفال و نوجوانان آینده کشور توجه و برخوردی متناسب و متمایز از مجرمان بزرگسال را می‌طلبد. بنابراین، در کشور ما با توجه به تشکیل پلیس زن از سال ۱۳۷۸ تاکنون اقدام خاصی مبنی بر تخصصی نمودن آن در برخورد با اطفال بزهکار به عمل نیامده است که امید است این قبیل تحقیقات با توجه به دلایل موصوف مبنایی برای تشکیل پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان باشد.

روش تحقیق

این پژوهش دارای اهمیت کاربردی و ماهیت توصیفی - تحلیلی است. روش تحقیق اسنادی است. اطلاعات لازم هم از طریق مطالعه اسناد و مدارک گردآوری شده است.

پیشینه تحقیق

در خصوص پلیس اطفال و نوجوانان تحقیقات مختلفی انجام شده است اما در رابطه با موضوع این تحقیق که به طور ویژه به بررسی و تبیین ضرورت تشکیل پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان در ساختار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در کاهش و پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان است برابر بررسی‌های به عمل آمده تحقیقی یافت نشد.

چارچوب نظری تحقیق

کودکی: (INFANT, CHILD) رایج‌ترین واژه‌هایی هستند که در زبان انگلیسی درباره اطفال به کار برده می‌شود و منظور کسی است که در زیر سن بلوغ قرار دارد و به‌ویژه در رابطه با اشخاص دیگری که والدین او محسوب می‌شوند (walker, ۱۹۸۰: ۲۱۱)

تعریف قطعی از اطفال ارائه نشده است؛ این واژه به اشخاص زیر ۱۴، ۱۶ و ۱۸ سالگی اطلاق می‌شود. در نظر گرفتن هر مقطع سنی بستگی به سیاق و تصویب قوه قانون‌گذاری آن دولت دارد. به موجب قانون‌گذاری اطفال ۱۹۸۹ و حقوق خانواده مصوب ۱۹۶۹، کودک شخص زیر ۱۸ سال است. (مارتین، ۱۹۹۸: ۷۱)

صرف رسیدن اطفال به مرحله بلوغ برای پایان یافتن دوران کودکی کافی نیست، بلکه شرایط دیگری برای زوال حجر کودک لازم است که به آن رشد می‌گویند. رشد را حقوق‌دانان کیفیات نفسانی دانسته‌اند که دارنده آن می‌تواند نفع و ضرر در رشد مدنی و یا حسن و قبح در رشد جزائی را تشخیص دهد و چنین کسی را رشید می‌گویند (لنگرودی، ۱۳۴۶: ۳۳۴).

با توجه به مراتب فوق می‌توان گفت هر چند در قوانین اغلب کشورها از کودک تعریف مشخصی به عمل نیامده است، از نظر حقوقی در کلیه جوامع هر فرد تا زمانی که به سن بلوغ قانونی نرسیده است طفل محسوب می‌شود.

طفل در حقوق ایران

از نظر حقوق ایران طفل به کسی اطلاق می‌شود که از نظر سن به رشد کامل جسمی و روحی

برای شرکت در مسائل اجتماعی و خانوادگی نرسیده باشد. بنابراین، اصل بر این است که اطفال با رسیدن به سن معینی از نظر طبیعی و قوای هوشی تحول کلی پیدا کرده و از نظر روحی و جسمی آمادگی شرکت در زندگی اجتماعی و خانوادگی را پیدا می‌کنند. (کاتوزیان، ۱۳۶۶: ۳)

کودکان در طول حیات خود با مراقبت و مواظبتی که از آنان به عمل می‌آید به تدریج تکامل پیدا می‌کنند تا اینکه در وضعیت بعضی از اندام‌های بدن آنان تغییراتی حاصل می‌شود که نشانه بلوغ طبیعی آنهاست، رسیدن به بلوغ طبیعی به تنهایی کافی برای قابلیت اطفال در جهت اعمال و اجرای حقوق آنان نیست بلکه باید از نظر قوای عقلی نیز به چنان تکاملی دسترسی پیدا کنند که بتوانند با قوه تمیز توانایی تشخیص خوب از بد را دارا شوند. رسیدن به این دو مرحله است که اطفال را رشید می‌سازد و به او اهلیت استیفا می‌دهد. همان طور که گفته شد طی این دو مرحله در تمام اطفال همسان نیست و به عوامل مختلفی بستگی دارد. بنابراین، در تمام کشورها برای جلوگیری از بروز مشکلات عملی و رفع اختلافات که موجب نابسامانی در امر حمایت از حقوق اطفال می‌شود سن معینی را آماره رشد اطفال فرض نموده و خلاف آن را محتاج به اثبات دانسته‌اند. به موجب ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی اطفال محجورند و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند. بنابراین، اطفال از اهلیت دارا شدن حق (اهلیت استیفاء یا اهلیت تملک) زمانی بهره‌مند می‌شوند که به سن رشد و بلوغ قانونی رسیده باشند و تا زمانی که به این سن نرسند، کلیه حقوق او با وساطت ولی یا قیم او قابل اجرا و اعمال است.

وظایف پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان در مرحله تحقیقات مقدماتی

مأموران انتظامی که مسئول حفظ نظم و آرامش در جامعه، کشف جرم، دستگیری بزهکاران و پیشگیری از وقوع جرایم هستند، غالباً قبل از مقامات قضائی از وقوع جرم و یا بروز حالت خطرناک مطلع شده، تحقیقات مقدماتی را به عمل می‌آورند. نظر به این که اطفال و نوجوانان دارای طبعی حساس و زود رنج بوده و به طور کامل قدرت تشخیص و درک نتایج اعمال خود را ندارند، برخورد اولیه مقامات انتظامی تأثیر عمیقی در روحیه آنان باقی می‌گذارد و هرگاه مأموران انتظامی با آنان در خور اقتضای سنی آنها رفتار کنند و با خونسردی و احترام اشتباه

آنان را گوشزد و لزوم رعایت قوانین و مقررات اجتماعی را یادآور شوند اطفال و نوجوانان از عمل خویش اظهار ندامت خواهند کرد. در عوض خشونت و تحقیر و توهین، حس انتقام جویی و سرکشی را تقویت و آنان را نسبت به اجتماع بدبین خواهد کرد و غالباً آنها را به انتقام از جامعه ترغیب می‌کند. لذا در بزهکاری اطفال و نوجوانان بمنظور حفظ حقوق و بر خوردمتناسب با روحیه و شخصیت آنها و تضمین موقعیت اجتماعی و قانونی با استفاده از روش‌های اصلاحی و تربیتی استفاده از پلیس زن به سبب ویژگی‌ها و توانمندی‌های خاص رفتاری و شخصیتی از اولویت خاصی برخوردار است. بنابراین، لازم است که این پلیس تخصصی در تحقیقات مقدماتی که اطفال و نوجوانان نگران نتایج اعمال و رفتارشان می‌باشند از تویخ و سرزنش آنها خودداری کنند و با برخورد آمرانه توأم با عطفوت به کشف حقایق بپردازند. همچنین در ایفای این امر مهم، نیروی انتظامی بایستی در تشکیل این پلیس تخصصی ویژه از نیروهایی استفاده کند که آشنایی لازم با علوم تربیتی اطفال و جوانان، جرم‌شناسی و قوانین خاص آنها دارند زیرا طفل و نوجوان بزهکار در سایه حمایت روحیه لطیف زنانه و ذهنیت اجتماعی کودک از زن در جامعه (که همواره دارای نقشی محبت‌آمیز و حساس است) می‌تواند از امنیت روانی لازم در تحقیقات مقدماتی پلیس برخوردار شود. در اکثر کشورهای مترقی، پلیس زن در اجرای وظایف پلیس قضائی اطفال و نوجوانان نقش به‌سزایی را به عهده دارد. «طبق گزارش سازمان ملل، آمار زنان شاغل در قوه قضائیه و کادر پلیس در جهان در چند سال اخیر به نسبت مردان به شرح زیر است (ملکزاده، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

سال	کادر پلیس	باز پرس	قاضی	مأمور زندان
۱۹۸۶	٪۱۲	٪۱۹	٪۲۰	٪۱۰
۱۹۹۰	٪۲۱	٪۲۳	٪۲۴	٪۱۰

این افزایش آمار پلیس زن در سازمان‌های پلیسی جهان بیانگر اهمیت و نقش این گروه از پلیس در برخورد با بزهکاری اطفال و نوجوانان و تاثیر مثبت آن در پیشگیری از بزهکاری آنها دارد. لذا ضروریست که کشور ما نیز با افزایش جذب این گروه از پتانسیل و توانایی آنها در

مأموریت‌های پلیسی کمک بگیرد.

چگونگی عملکرد پلیس ایران در برخورد با اطفال بزهکار

نظر به این که غالباً مأموران پلیس قبل از مقامات قضایی از وقوع جرم مطلع می‌شوند و تحقیقات مقدماتی را به عمل می‌آورند آنان شب و روز در خیابان‌ها و مجامع عمومی حاضر هستند و با چشم باز به حوادث می‌نگرند. در تمام این حوادث مستقیماً مداخله می‌کنند. پیشگیری از وقوع جرایم به وسیله نیروی انتظامی به استناد قسمت (د) بند (۸) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی بسیاری از اطفال خصوصاً در محله‌های فقیرنشین، اغلب اوقات فراغت خود را در معابر، کوچه‌ها و خیابان‌ها به دور از چشم سرپرستان و والدین خود می‌گذرانند. با دوستان خود در تماس هستند و توسط دوستان خود با دوستان دیگری که ممکن است دوستان نابابی باشند تماس پیدا کرده و باب دوستی را با او می‌گشایند و به لحاظ کمی تجربه و آگاهی در انتخاب دوستان ممکن است راه خطا را رفته و به مکان‌های خاصی برده و به اعمالی تشویق شوند که ناپه‌نجا بوده و به عبارتی جرم محسوب می‌شود. پلیس باید در این موارد حامی و پشتیبان طفل باشد و مثل سرپرست او مواظب اعمال و رفتار او باشد (دادرسی ماهنامه حقوقی - فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۲: ۶۵).

مأمور نیروی انتظامی می‌تواند با استفاده از ششم پلیسی و استعداد شخصی خود و نیز با استفاده از موقعیت اجتماعی خوب خود راهنمای اطفال و نوجوانان در رفتارهای بیرون از خانه خود باشد. پس مأمور نیروی انتظامی وظیفه‌ای دو جانبه بر عهده دارد: از یک طرف باید معابر و خیابان‌ها و مکان‌های عمومی را منزله از آلودگی‌ها و اعمال خلاف نماید و از طرف دیگر در جوانانی که در معرض انحراف قرار گرفته‌اند مؤثر باشند (دادرسی ماهنامه، همان منبع، ص ۶۶).

وقتی نوجوانی در صحنه حوادث و اعمال مجرمانه ظاهر می‌شود، مأمور نیروی انتظامی اولین مقامی است که با او تماس خواهد داشت و در بیشتر موارد این تماس اولیه و نحوه آن تکلیف و طبیعت تماس‌ها و برخوردهای مقامات بعدی را روشن می‌سازد. دستگیری و بازجوئی ابتدائی اولین قدم برای باز داشتن طفل از راهی است که در آن قدم گذارده است. ضربه و تکانی که در اثر اولین اقدام پلیس حاصل می‌شود ممکن است سازنده و مفید باشد. بازجوئی اولیه اغلب به

طفل و نوجوان اجازه می‌دهد که با بیان حقیقت وجدان خود را زیر بار گناه آسوده سازد. زیرا سرشت پاک او هنوز در اثر انواع جرایم آلوده و تخریب نشده است. به همین دلیل اگر مقام‌های صلاحیت‌دار در ابتدای امر دقت و مراقبت کامل را مبذول داشته و به شخصیت طفل احترام بگذارند چه بسا که طفل مورد احترام دچار واکنش شدیدی شود و به کلی تغییر ماهیت دهد. این امر بیشتر در مورد اطفال بزهکار و با سابقه صادق خواهد بود زیرا به علت سوابق قبلی وی موقع دستگیری رفتار چنان خوبی در مورد او اعمال نمی‌شود و به او به دیده فردی بزرگسال و عاقل و کامل نگریسته و رفتار می‌شود.

تحقیقات جرم‌شناسان نشان می‌دهد از جمله مهمترین علل ارتکاب بزه اطفال و نوجوانان علل روانی، اخلاقی و عاطفی است و همین امر منجر به حساس شدن بیش از حد آنان می‌شود. بسیار روشن است که مأمور نیروی انتظامی که وظیفه‌اش برخورد با این اطفال است بایستی علم و تخصص کافی و لازم در این خصوص را دارا بوده و تعلیمات لازم را قبلاً دیده باشد. یعنی پلیسی که با افراد جوان و بزرگسال سرو کار دارد، همین پلیس اگر تخصص لازم را نداشته باشد در برخورد با اطفال موفق نبوده و نمی‌تواند نقش سازنده و اصلی خود را که همان حمایت و هدایت اطفال است ایفا نماید. دانشکده‌های پلیس بایستی با استفاده از استادان رشته‌های حقوق، روانشناسی و جامعه‌شناسی از مطالب آنان در کلاس‌های آموزشی خود جهت تربیت و آموزش کار خود بهره‌گیری نماید. اکثر مأموران نیروی انتظامی در کشور ما فاقد آموزش کافی و حتی اطلاعات مقدماتی در زمینه بزهکاری اطفال هستند و بیشتر مأموران احضار و جلب‌کننده پلیس مرد و یا سربازان وظیفه هستند و غالباً آموزش‌های لازم در این خصوص را ندیده‌اند این مأموران عموماً تخصصی در برخورد با اطفال و نوجوانان ندارند که این مشکلات به خاطر نبود نیروی پلیس ویژه اطفال و نوجوانان است.

چگونگی عملکرد پلیس فرانسه در برخورد با اطفال بزهکار

در فرانسه مأموران پلیس^۱ مکلفند به محض اطلاع از وقوع جرمی که طفل یا جوان کمتر از ۱۸ سال مرتکب شده است مراتب را فوراً حتی با تلفن یا فاکس به اطلاع دادستان یا قاضی اطفال همان محل رسانده و برای شروع تحقیقات مقدماتی و در صورت لزوم برای بازداشت متهم دستورات لازم را کسب نمایند. در جرایم مشهود که جمع‌آوری ادله و حفظ آثار جرم فوریت دارد، مأموران متخصص کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار مجرم و هر حقیقتی که فوریت داشته باشد انجام داده و برای شناسایی شخصیت طفل و انگیزه ارتکاب جرم اطلاعات لازم را راجع به محیط خانواده و محیط اجتماعی جمع‌آوری می‌نمایند و جهت تعیین وکیل مدافع مراتب را به کانون وکلا اطلاع می‌دهند.

طبق تصویب نامه ۲۳ دسامبر ۱۹۸۵ و قانون ۲۱ سپتامبر ۱۹۵۹ و موارد ۱-۳۷۵ تا ۸-۳۷۵ قانون مدنی «در صورتی که طفل یا جوانی از لحاظ سلامتی، امنیت و تربیت در خطر باشد، پلیس در اسرع وقت باید اقدام تأمینی به عمل آورده، مراتب را فوراً به دادستان یا قاضی اطلاع دهد.»

مأموران پلیس زن در تحقیق و پژوهش اجتماعی نقش بسیار مهمی را بر عهده داشته و با اداره حمایت مادران و کودکان، اداره امنیت اجتماعی وابسته به سازمان پلیس فرانسه، سازمان حمایت قضائی جوانان وابسته به وزارت دادگستری همکاری می‌کنند.

چگونگی عملکرد پلیس ایتالیا در برخورد با اطفال بزهکار

در ایتالیا، پلیس متخصص اطفال در مقر هر دادگاه اطفال مستقر است و وظایف پلیس قضائی را بر عهده دارد. در صورتی که طفل کمتر از ۱۴ سال مرتکب جرمی شود و مجازات جرمی که مرتکب شده، کمتر از ۵ سال حبس باشد، پلیس می‌تواند طفل را به خانواده او بسپارد.

۱. در این کشور، بازجویان نیروهای انتظامی زیر نظر رؤسای پلیس، موظف به انجام تحقیقات قضایی و انجام مأموریت‌های اطلاع‌یابی و مراقبت از واحدهای مختلف نیروهای انتظامی هستند. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: دوگونتین، برنارد-مارتن، آرلت-نیوگره، مورلیست، نهادهای سیاسی-اداری و قضایی فرانسه، ترجمه دکتر محسن شیخ‌الاسلامی، میزان، ص ۸۴.

در صورتی که طفل خانواده نداشته و یا آدرس آنان مشخص نباشد، به طور موقت طفل را به مؤسسه‌ای دولتی سپرده و در اسرع وقت مراتب را به دادگاه اطفال و یا دادستان اطلاع می‌دهد. در جرایم مشهود، پلیس قضائی اطفال می‌تواند تا ۴۸ ساعت طفل را بازداشت نماید. اگر مجازات جرمی که طفل مرتکب شده از ۵ سال تا دوازده سال حبس باشد، با توجه به اهمیت جرم و شخصیت طفل، پلیس می‌تواند موقتاً متهم را بازداشت کند و از دادستان تقاضای کسب تکلیف کند. اداره خدمات تخصصی اطفال در دادگستری نسبت به وضع و محل بازداشت نظارت می‌نماید (ملکزاده، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

چگونگی عملکرد پلیس ژاپن در برخورد با اطفال بزهکار

در ژاپن پلیس متخصص طفل و جوانی را که جرایم کم اهمیت مرتکب شده یا در حین ولگردی دستگیر شوند فوراً به دادگاه خانواده اعزام می‌کند. بنا به دستور دادگاه خانواده پلیس می‌تواند حداکثر تا ۳ روز طفل را بازداشت کند تا او در دادگاه خانواده حضور یابد. اطفال بازداشتی در محل خاصی از پاسگاه پلیس نگهداری می‌شوند.

پلیس زن نقش بسیار مهمی در پیشگیری از وقوع جرایم و بزهکاری اطفال و جوانان ایفا می‌کند. داوطلبان استخدام با کنکور از بین فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های مختلف انتخاب و دوره آموزش تخصصی را می‌گذرانند. در سال ۱۹۹۴ در ژاپن ۱۵۰۰۰ پاسگاه پلیس وجود داشته که ۶۵۰۰ پاسگاه ویژه پلیس متخصص اطفال و ۸۵۰۰ پاسگاه پلیس محلی بوده که برای کسب اطلاعات مهم با ساکنین محلی همکاری نزدیک دارند و در حفظ امنیت و آرامش و پیشگیری از جرایم نقش مهمی ایفا می‌کنند. تمام مأموران پلیس اعم از پلیس متخصص جوانان و پلیس محلی جهت اطلاع از علوم و فنون پیشرفته مداوم آموزش ضمن خدمت دارند (دانش، ۱۳۷۴: ۷۵).

چگونگی عملکرد پلیس انگلیس در برخورد با اطفال بزهکار

در انگلیس، پلیس متخصص جوانان علاوه بر وظایف پلیسی در پیشگیری از جرایم و تربیت

مجربان نقش بسیار مهمی بر عهده دارد. سازمان پلیس در شهرهای بزرگ، مراکز آموزش علمی، حرفه‌ای و تربیت بدنی دایر می‌کند. اطفال و جوانان کمتر از ۱۷ سال که در ملاء عام شئون اجتماعی و نزاکت را رعایت ننمایند و یا با دیگران رفتار شایسته نداشته، پرخاشگری کنند و یا ظن ارتکاب جرم در آینده داشته باشند، پلیس آنان را به مراکز مذکور معرفی می‌کند. اطفال و نوجوانان مکلفند که در اوقات فراغت هر هفته به این مراکز مراجعه کنند و به آموزش علمی، حرفه‌ای اشتغال ورزند. علوم اجتماعی و مخصوصاً قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی آموزش داده می‌شود. محیط مراکز مذکور مانند محیط سایر باشگاه‌های تفریحی است و زیر نظر مأموران پلیس متخصص اطفال و جوانان اداره می‌شود (همان: ۱۲۹).

البته شایان ذکر است که پلیس ویژه اطفال به آن معنایی که در کنوانسیون‌ها و مقررات با آن شرایط خاص تعریف شده است را نمی‌توان در این کشور به رسمیت شناخت. دکتر مهرا معتقد است: «پلیس ویژه اطفال در کشور انگلستان وجود ندارد. اما در ۴۲ حوزه نیروهای پلیس که افرادی تعلیم دیده هستند به منظور برخورد با اطفال حضور دارند. البته این افراد کارهای دیگری نیز انجام می‌دهند و در کنار این افراد افسران تعلیق مراقبتی^۱ که از جهتی دارای بعضی اختیارات مشترک با پلیس می‌باشند، نیز هستند. این افراد لیسانس حقوق دارند و عملکرد آنها مابین عملکرد پلیس و مددکاران اجتماعی است. گفته می‌شود این‌ها مددکاران اجتماعی هستند که مقداری خشن بوده و در تعلیمات خود در خصوص اطفال تخصص می‌بینند و اگر تعلیم هم نبینند بعدها که در دادگاه اطفال بیشتر کار کنند، در زمینه اطفال متخصص می‌شوند. تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و تکمیل آن توسط افسران تعلیق مراقبتی صورت می‌گیرد» (مهرا، ۱۳۸۶: ۱۳).

مصاحبه و بازجویی از اطفال و نوجوانان بزهکار

مصاحبه که در لغت بر وزن مفاعله می‌باشد از ریشه کلمه عربی «صَحَبُ» یعنی همراه او شد، با او رفاقت کرد، با او معاشرت کرد و نظایر آن آمده است و مصاحبت یعنی همنشینی، یار

1. Probation officers .

و همدم، ملازم و معاشر (خوشزاد و هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۷).
از مصاحبه تعاریف متعددی به عمل آمده است که هر کدام از آنها با توجه به هدف مصاحبه و سازمان و موقعیت مصاحبه کننده و فرآیندهای دیگر نکاتی را مورد توجه قرار داده‌اند. بعضی از این تعاریف عبارت‌اند از:

«مصاحبه پرسیدن سؤال از افرادی است که عقیده دارند دارای اطلاعاتی هستند که مأمور تحقیق جهت کشف جرم علاقمند به داشتن آنها می‌باشد» (خوشزاد، ۱۳۸۵: ۳۰).
«مصاحبه در اصطلاح پلیسی به معنای صحبت و گفتگو با شهود و مطلعین به منظور کسب اطلاعات پیرامون وقوع حادثه یا جرم است».

علاوه بر تعاریف فوق می‌توان گفت مصاحبه شیوه‌های تحقیق است که به منظور تشخیص صلاحیت و کسب توانمندی‌ها و استعداد‌های اشخاص و یا تحمیل اطلاعات مورد نظر و یا تکمیل اطلاعات ناقص به صورت حضوری و شفاهی با رعایت مقررات و ضوابط انجام می‌گیرد

قواعد مصاحبه با کودکان

یکی از راه‌های شناخته شدن هنجارهای پاسخ‌دهندگان و مصاحبه شونده‌گان طراحی دقیق خود مصاحبه است. به عبارتی مصاحبه‌گر بایستی یک گفتمان را با مصاحبه شونده ترتیب دهد. رینهارز^۱ پیشنهاد می‌کند مصاحبه با سؤالات ساخت نیافته شروع شود تا پاسخ‌دهندگان بتوانند با زبان خود افکار و تجربیات خود را بیان کنند (گوبریوم، هولشتاین، ۱۳۸۴: ۳۵۴). در تحقیق از جوانان، مصاحبه‌گران باید به پرسش‌های غیرمستقیم تشریحی و جامع تأکید داشته باشند.

پلیس زن و مصاحبه با اطفال و نوجوانان

ترجیحاً مصاحبه‌گر باید پلیس زن متخصص اطفال باشد. زیرا پلیس به دلیل ماهیت کاری که دارد و در اکثر اوقات با پرونده‌های قتل، کلاهبرداری و این قبیل مسائل سر و کار دارد،

1. Reinharz

روحیه مناسبی برای برخورد با کودکان و نوجوانان ندارد و ضروری است که پلیس زن مخصوص اطفال و نوجوانان آموزش داده شود. وجود مصاحبه گر زن اطفال و نوجوانان بزهکار علاوه بر ترمیم روحی و جلوگیری از بزه‌دیدی مجدد می‌تواند امنیت روانی لازم را برای متهم نوجوان به ارمغان آورد. از این رو نکاتی را که این پلیس تخصصی لازم است در مصاحبه با اطفال و نوجوانان بزهکار مورد لحاظ قرار دهد به شرح زیر است:

مصاحبه گر نباید فقط سؤال کننده باشد. بلکه باید با تشویق کودکان به اظهار نظر فضای متفاوتی برای مطرح کردن موضوعات و مسائل مورد نظر خود را فراهم نماید. به عبارتی مصاحبه گر می‌تواند کودک را در مسیری قرار دهد که خود پاسخ‌دهنده شود و از این طریق اهداف مصاحبه تأمین شود.

مصاحبه گر باید هنگام مصاحبه نشان دهد که به گفته‌های مصاحبه شونده علاقمند است و این سبب می‌شود که او [مصاحبه شونده] در مورد مسائلی گفت و گو کند که قبلاً فکر نمی‌کرد آن مسائل برای بقیه اعضای خانواده یا حتی دوستانش هم مطرح باشند. یونس و اسمولر به این نتیجه رسیدند که نوجوانان بحث با والدین را با گفت و گو با دوستان خود مقایسه می‌کردند و معتقد بودند که هنگام بحث با والدین باید مواظب گفته‌های خود باشند و بیشتر احساسات حقیقی خود را پنهان کنند و در مورد تردیدها و ترس‌های خود هم معمولاً چیزی نمی‌گویند. به همین دلیل به نظر می‌رسد گاهی اوقات کودکان والدین را مانعی برای بیان مشکلات خود می‌دانند و سعی می‌کنند مطالب را در اختیار کسانی قرار دهند که پذیرای گفته‌های آنان باشند. لذا مصاحبه گر باید در شروع مصاحبه رابطه‌ای دوستانه و عمیق با آنها برقرار سازد. در چنین مصاحبه‌هایی همیشه باید یکی از والدین یا وکیل اطفال حضور داشته باشد، مگر اینکه دلایل موجهی برای عدم حضور وجود داشته باشد. اگر چه در هر دو حالت باید وضعیت خانواده و زندگی اطفال به دقت مورد توجه قرار گیرد. زیرا حضور خانواده می‌تواند از تکرار جرم اطفال جلوگیری کند.

ارتباط با اطفال

باید با قربانیان با مهربانی و احترام رفتار کرد و آبروی آنها را حفظ کرد. این گروه حق دارند که به سازوکاری دسترسی داشته باشند که به استناد قانون ناراحتی آنها را بابت آسیبی که دیده‌اند کاهش بدهد. برقراری ارتباط با قربانیان باید در فضایی آکنده به حس همدردی و احترام انجام شود. قربانیان بزه ممکن است وحشت‌زده شده باشند. حتی ممکن است این افراد از آنچه اتفاق افتاده است احساس شرم کنند. ممکن است این اطفال برای بیان ماجرای خود به زمان نیاز داشته باشند. بنابراین، گوش دادن به حرف‌های اطفال قربانی باید با روشی توأم با دلسوزی باشد و به کودک اجازه داده شود هر وقت که آمادگی دارد حرف بزند. در اینگونه موارد که بزهی جدی در مورد کودک رخ داده باشد، یا در حالت‌هایی که با کودک خشونت جدی شده باشد، پلیس زن اطفال باید از مسئول نگهداری تأدیبی کودکان، مسئول تأمین اجتماعی، مددکار اجتماعی، روانشناس متخصص قربانیان کمک بگیرد تا بتواند اظهارات را به دست آورد. یک شخص حرفه‌ای می‌تواند در کودک احساس آرامش به وجود آورد و مطالب بیشتری را از کودک به دست آورد. ضمناً پلیس زن اطفال و نوجوانان موظف است در هنگام انجام مصاحبه طوری برخورد نمایند که اطفال با آنها احساس راحتی کنند. اگر در کلانتری هیچ اتاق خاصی برای اجرای این مهم وجود نداشته باشد، باید تلاش کرد تا محیطی ایجاد شود که اطفال در آن به راحتی بتوانند ماجراهای خود را شرح دهند. دست‌کم اتاق مصاحبه در جایی باشد که اطفال بتوانند بدون نگرانی از اینکه حرف‌هایش را دیگران می‌شنوند، مطالب خود را بیان کنند. اگر روی دیوار پوسترهایی وجود داشته باشد که در آن از حقوق اطفال دفاع شود کمک می‌کند تا در کودکان این احساس به وجود آید که در محلی قرار گرفته‌اند که نسبت به آنها بی‌تفاوت نیستند و از آنها دفاع می‌کنند. مفید است که به اطفال کوچکتر یک اسباب‌بازی داده شود که در زمان انجام مصاحبه، خصوصاً هنگام طرح سؤالات ابتدائی آن را با خود داشته باشند یا با آن بازی کنند و به این ترتیب احساس آرامش نمایند. البته مصاحبه‌گر باید دقت کند که کودک از هدف اصلی خود منحرف نشود (یونیسف، ۱۳۸۰: ۱۴-۱۱).

در شکل زیر به طور خلاصه به برخی از نکات مهم در خصوص مصاحبه با کودکان اشاره شده است:

دامنه تمرکز	دامنه تمرکز کودکان کوچکتر کمتر است.
کمک‌ها	ممکن است افسر زن پلیس بخواهد برای بهتر کردن وضع از اسباب بازی، وسایل نقاشی، انواع وسایل سرگرمی و امثال آن استفاده کند.
رویکرد چند منظوره	با عنایت به حساسیت بزه، افسر زن می‌تواند از روانپزشک یا مددکار اجتماعی {ترجیحاً زن} برای کمک به کودک مدد بجوید.
اجازه کودک برای بیان اظهارات	کودکان حق دارند از حرف زدن و بیان مطالب خودداری کنند.
همکاری کودکان	کودکان نسبت به عدالت حساسیت زیادی دارند و اگر احساس کنند که بی‌عدالتی صورت گرفته است، از ادامه همکاری خودداری می‌کنند.
روش و تسهیلات	این نکته که بتوان تسهیلات بی‌طرف و کودک‌پسندانه را به کار گرفت، تا کودکان برای حرف زدن احساس آرامش کنند، از اهمیت زیادی برخوردار است.
زبان	استفاده از زبان کودکی در بیشتر موارد با اکراه کودک مواجه می‌شود. استفاده از زبان متعارف جامعه ترجیح داده می‌شود. از کاربرد زبان پیچیده خودداری کنید.
حضور والدین	افسر نیروی انتظامی نیاز دارد که منافع عالی کودک را مدنظر قرار دهد و باید بفهمد که آیا کودک احساس راحتی می‌کند که در حضور والدین خود حرف بزند یا ترجیح می‌دهد بدون حضور آنها با پلیس صحبت کند.
هدف از مصاحبه	مهم است که کودکان احساس روشنی نسبت به هدف مصاحبه داشته باشند.

برنامه‌های کاهش و پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان

پیشگیری از جرم و بزهکاری در واقع یک وظیفه ملی است، بنابراین نه تنها دولت‌ها و نهادهای وابسته به آن، بلکه نهادهای غیر دولتی و تمامی مردم نیز در این ارتباط سهم و نقش ویژه‌ای دارند. لذا نظر به بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی، که وظیفه پیشگیری را برای نیروی انتظامی پیش‌بینی نموده است، به نظر می‌رسد این نیرو با رویکرد جامعه‌مداری در کنار دیگر

نهادها و مراکزی که مستقیم و غیر مستقیم در پیشگیری از جرم نقش دارند، قادر است با تکیه بر تحقیقات و مطالعات علمی به تدابیری دست یابد که در تمامی سطوح پیشگیری به ویژه در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان و جوانان در فرآیند یک تعامل علمی و اجرایی نقش مؤثری ایفا کند. بنابراین، پلیس با فاصله گرفتن از روش‌های منسوخ و توجه به رویکردهای نوین قادر به انجام این مهم است و می‌تواند این مسئولیت را مقتدرانه به انجام برساند (رجبی پور، ۱۳۸۳: ۱۵) در خصوص برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری اطفال، پلیس زن در ابعاد مختلفی می‌تواند نقش بسزایی در این امر از طریق تعامل و همکاری با برخی نهادها ایفا کند. لذا این موارد را در ۴ قسمت به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) اقدامات پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان در امر پیشگیری از بزهکاری نوجوانان:

۱. تشویق و تقدیر از اطفال و نوجوانانی که در مدت زمانی معین، به‌رغم وجود زمینه‌های ارتکاب جرم، مرتکب بزه نشده‌اند و در آن بازه زمانی و شرایط ویژه مراتب را با این پلیس تخصصی اطلاع داده باشند.
۲. جلسات ماهیانه با اطفال و نوجوانان بزهکار به منظور ارائه مشاوره در خصوص شناسایی رفتارهای بهنجار در مواجهه با شرایط ارتکاب بزه و اخذ گزارش از آنها در خصوص شیوه و روش به‌کارگیری آنها در مواجهه با شرایط جرم‌زا.
۳. ضمن بررسی موردی برخی از پرونده‌های موجود، به توصیف آثار مخرب فردی و اجتماعی آن پرداخته و راهکارهای مفید در جلوگیری از ارتکاب چنین جرایمی گوشزد شود.
۴. تقدیر از نزدیکان (دوستان و مربیان...) اطفال و نوجوانان بزهکار که در مراقبت و همکاری در امر جلوگیری از ارتکاب مجدد بزه با پلیس ویژه همکاری داشته‌اند.
۵. با مصاحبه‌های مختلف با این کودکان و نوجوانان بزهکار ضمن شناسایی انتظارات و توقعات آنها از محیط (اجتماعی و تحصیلی...) علایق و توانایی و استعدادهای آنها را (با کمک مشاوران و روانشناسان...) شناسایی کرده و با همکاری سایر نهادهای دولتی و مدنی آنها را به فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و اقتصادی تشویق نمود.

ب) ارتباط بین پلیس زن اطفال و نوجوان با آموزش و پرورش در جهت پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان:

یکی از علل اصلی بروز مشکلات در نوجوانان احساس ناکامی است. در واقع، گاهی اوقات نیازهای کودکان و نوجوانان برای احراز هویت، امنیت، استقلال و یا محبت به گونه‌ای دچار شکست می‌شود که رفتارهای ضد اجتماعی آنان، تلاشی در جهت کاهش آن شکست‌هاست. همچنین در مواقعی، شرایطی همچون کم‌هوشی، فقر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تعارض در خانواده، خانواده‌های از هم پاشیده، بی‌محبتی والدین، نبود اعتقادات صحیح در خانواده، تحقیر و شکست و احساس حقارت ناشی از عیوب جسمانی باعث بروز ناکامی‌ها در کودکان و نوجوانان می‌شود. حال اگر بپذیریم که پلیس زن ویژه کودکان می‌تواند عامل مؤثری در پیشگیری از ارتکاب جرایم کودکان باشد، یکی از تکنیک‌های کاهش و پیشگیری از بزهکاری آنها تعامل با آموزش و پرورش است. مواردی از آنها عبارت‌اند از:

۱- ارتباط پلیس زن با آموزش و پرورش و شرکت در جلسات مختلف انجمن در تعامل با اولیا و مربیان اطفال و نوجوانان بزهکار و بررسی وضعیت دانش‌آموزان بزهکار پس از برخورد اولیه با پلیس ویژه به منظور تحت نظر قرار دادن آنها و اجرای برنامه‌های تربیتی در جهت پیشگیری از تکرار جرم.

۲- حضور پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان در مدارس و صحبت با دانش‌آموزان و آگاه کردن آنها از تهدیدات و ارائه راهکارهای بهنجار در جهت پیشگیری از ارتکاب جرم

۳- بیان هشدارهای لازم به دانش‌آموزان بزهکار و والدینشان که در صورت برخورد مجدد و یا قرار گرفتن در شرایط جرم‌زا ضمن اینکه رفتار مناسب را در پیشگیری از ارتکاب آن انجام دهند مراتب را با خانواده و پلیس ویژه اطلاع دهند.

۴- انتشار جزوه‌های تربیتی و آموزشی برای اولیا و مربیان دانش‌آموزان در جهت حفظ، تربیت و مراقبت از آنها به ویژه پس از تجربه ارتکاب جرم

۵- جلب اعتماد بین پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان با دانش‌آموزان به منظور درک و تبیین و تفهیم انتظارات متقابل.

- ۶- آموزش به خانواده‌ها و ارتباط با آنها به‌ویژه مادر خانواده جهت مراقبت از فرزندان خود.
- ۷- حضور پلیس زن در خیابان‌ها و راهنمایی کودکان.
- ۸- ایجاد کانون‌های مشاوره در کلانتری‌ها برای حل مشکلات کودکان و نوجوانان
- ۹- تشکیل کلانتری ویژه زنان پلیس اطفال و نوجوانان و ارائه خدمات ترمیمی به مراجعین کودک و نوجوان

ج) همکاری‌های پلیس زن با مددکار اجتماعی در پیشگیری (ثانویه) از بزهکاری اطفال و نوجوانان:

در خصوص پیشگیری ثانویه یا شناسایی افراد در معرض خطر نیز باید توجه داشت که عوامل زیادی ممکن است وجود داشته باشد که نوجوان را در شرایط دشواری قرار دهد مثلاً فقر یا نبود خدمات یا حمایت اجتماعی مناسب، برخورد نامناسب با روح لطیف اطفال به‌ویژه توسط پلیس می‌تواند شرایط ارتکاب جرم را برای کودک و نوجوان ایجاد کند. در چنین شرایطی پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان با توانمندی‌های خاص رفتاری با همکاری مددکار اجتماعی می‌توانند نسبت به طفل بزهکار حمایت‌های لازم را داشته باشند اگرچه در اصل این نوع پیشگیری (ثانویه) وظیفه سازمان‌های خدمات اجتماعی است اما آنها گاهی به تنهایی قادر به انجام وظایف خود نیستند که این پلیس ویژه با توانمندی و اختیاراتی که دارد می‌تواند آنها را در رسیدن به اهداف خود یاری کند. بنابراین، لزوم همکاری پلیس زن با مددکار اجتماعی در پیشگیری از جرم امری لازم است و در واقع به واسطه نقشی که هر دو در جامعه ایفا می‌کنند، ناگزیر باید با همدیگر همکاری‌های لازم را داشته باشند که این همکاری‌ها می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- ۱- مددکار اجتماعی به دلیل حضور در جامعه می‌تواند موارد مرتبط با اطفال و نوجوانان را شناسایی و بررسی کرده و مواردی را که لازم است توسط پلیس زن ویژه اطفال و نوجوان رسیدگی شود به پلیس واگذار کند.
- ۲- پلیس هم به دلیل حضور متفاوت تر (نسبت به پلیس زن سنتی) در جامعه می‌تواند

مواردی را در اختیار مددکار اجتماعی قرار دهد تا مددکار اجتماعی از دید اجتماعی به آنها رسیدگی کند.

۳- مددکار اجتماعی می‌تواند اطلاعات کسب شده را در اختیار پلیس زن قرار دهد تا پلیس بتواند در اقدامات بعدی از آنها استفاده کند. این کار به دلیل آن است که چون معمولاً رابطه مددکار با کودک بزهکار رابطه‌ای غیررسمی است، محیط صمیمانه‌تری به وجود آمده و طبعاً مددکار اجتماعی اطلاعات بیشتری کسب می‌کند که ارائه آنها به پلیس زن اطفال و نوجوان در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات بعدی پلیس مفید و مؤثر خواهد بود.

د) همکاری پلیس زن و ویژه اطفال و نوجوانان با مقام قضایی در پیشگیری (ثالث) از بزهکاری اطفال و نوجوانان:

پیشگیری ثالث در اصل وظیفه قاضی است. اگر طفل یا نوجوان مرتکب بزه شود قاضی وظیفه دارد به گونه‌ای با وی برخورد کند که از ارتکاب مجدد بزه جلوگیری شود. در بیشتر موارد هم بهترین پاسخ قاضی به بزه ارتکابی نوجوان پیدا کردن جایگزین مناسبی برای مجازات اوست که البته این مهم نزد برخی قضات کمتر به چشم می‌خورد و بیشتر به سمت عدالت تنبیهی و کیفری سوق دارد تا عدالت ترمیمی. نکته مهم این است که در خصوص اجرای عدالت ترمیمی قاضی به طور معمول نمی‌تواند به تنهایی عمل کند. قاضی قادر نیست که به خانواده نوجوان سرزنش یا برای درک بهتر شرایط وی وقت زیادی صرف کند. در این زمینه مددکاران اجتماعی و پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان می‌توانند کمک زیادی به وی کنند و در چنین حالتی قاضی قادر خواهد بود به حل و فصل عادلانه بپردازد.

نتیجه‌گیری

تحقیقات مقدماتی و دادرسی کودکان و نوجوانان بزهکار بایستی ساده و سریع انجام گیرد زیرا هدف از کشف، تحقیق و دادرسی اصلاح و تربیت یا درمان برای عادت دادن به زندگی عادی اجتماعی است. «طبق ماده ۲ و ۱۱ مقررات پکن پلیس دادرسان و سایر سازمان‌هایی که

مأمور تعقیب کودکان و نوجوانان هستند، بدون رعایت تشریفات تعقیب در مورد بزرگسالان که در قوانین مقرر گردیده در اسرع وقت اعلام نظر می نمایند» (دانش، ۱۳۸۵: ۷۰). مأموران پلیس قبل از مقامات قضایی از وقوع جرم مطلع می شوند و تحقیقات مقدماتی را به عمل می آورند؛ آنان شب و روز در خیابان ها و مجامع عمومی حاضر هستند و با چشمانی باز به حوادث قریب الوقوع می نگرند. از طرفی در تحقیقات مقدماتی، کودکان و نوجوانان نباید مورد توبیخ و سرزنش قرار گیرند، برخورد ماموران با آنان باید آبرو و همراه با عطف و مهربانی باشد. پلیس زن در بیشتر کشورهای متری بعد از آشنایی نسبی لازم با علوم تربیتی کودکان و نوجوانان، جرم شناسی، قوانین خاص کودکان و نوجوانان و کنوانسیون های بین المللی مرتبط با حقوق کودک، به ایفای نقش خود در این مرحله می پردازد.

حال در کشور ما بعد از ایجاد پلیس زن ویژه کودکان و نوجوانان در ساختار نیروی انتظامی و تعریف این نهاد با توجه به فرهنگ غنی اسلامی و ویژگی های مختص خود می توان به عنوان فرد هادی، حامی، مهربان و دلسوز اطفال و نوجوانان را به خود جلب کند و آنان را تحت حمایت و هدایت قرار دهد. ایجاد ساختاری نوین در نیروی انتظامی به منظور پیشگیری و برخورد مناسب با گروه سنی اطفال و نوجوانان اگر چه نیازمند اصلاحات و تغییرات اساسی نسبت به گروه های خاصی از ضابطین دادگستری است و نیازمند صرف هزینه و آموزش و زمان است، این هزینه ها در حمایت و هدایت از سرمایه های انسانی آینده مملکت نوعی پس انداز است. بنابراین، ضرورت تفکیک و ایجاد این ساختار جدید پلیسی به مثابه تفکیک دادرسی این گروه سنی از بزرگسالان (در مرحله دادرسی) احساس می شود؛ زیرا مقنن نیز در مرحله بازپرسی و دادرسی اطفال و نوجوانان نیز شرایط و ویژگی های خاصی را (در قیاس با دادرسی بزرگسالان) اتخاذ نموده است که این نوع تفکیک به جهت برخورد خاص و متناسب با شرایط سنی و ویژگی های رفتاری اطفال و نوجوانان بزهکار می تواند در پیشگیری از ارتکاب جرایم آنها در آینده مؤثر باشد.

پیشنهادها

۱. نظر به روحیه خاص زنان تشکیل پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان حمایت و هدایت

اطفال و نوجوانان که نیاز به صبر و حوصله و لطافت روحی دارد، بسیار مفیدتر خواهد بود.
۲. در تشکیل ساختار پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان به منظور اطمینان و حصول تحقق اهداف آن رعایت موارد زیر الزامی است:

- استفاده این نیروها از لباس شخصی در محیط اداره به ویژه در مأموریت‌ها
- مجزا بودن مقر این پلیس تخصصی از یگان‌های انتظامی
- استفاده از امکانات و تجهیزات غیرپلیسی در مأموریت‌ها و حتی در محیط اداری
- این پلیس تخصصی لازم است که در فضایی غیرپلیسی با اطفال و نوجوانان بزهکار برخورد داشته باشد و حتی در مأموریت‌ها از اتومبیل با رنگ و پلاک شخصی استفاده نماید.
- توسعه اختیارات قانونی این پلیس ویژه (با تلاش معاونت حقوقی ناجا در جلسات با قوه مقننه) در به‌کارگیری سیستم‌های غیرقضایی تذکر، تعهد اخلاقی و یا اخذ تعهد از والدین یا سرپرستان قانونی به منظور جلوگیری از تکرار بزه (در جرایم کم اهمیت و جرایمی که جنبه شخصی آن غالب است)
- در گزینش و جذب این پلیس زن ویژه اولویت استخدام به زنان روانشناس، حقوقدانان و مددکار داده شود زیرا این نیروها در امر پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان توانایی و دانش بیشتری نسبت به سایرین دارند.
- ۳. ایجاد خط ارتباطی مستقیم تلفنی (مانند تلفن‌های ۱۲۳، ۱۱۰...) که در شرایط اضطراری و لازم بتوانند فوری و بدون واسطه با پلیس ویژه کودکان تماس بگیرند.

کتابنامه

فارسی

الف) کتب

آخوندی، محمود (۱۳۶۸). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

اقلیما، مصطفی (۱۳۸۵). مددکاری فردی کار با فرد، تهران: دانژه

خوشزاد، سیدرضا و حیدر هاشمی (۱۳۸۵). مصاحبه و بازجویی نوین، تهران: انتشارات ناقوس.

دانش، تاج زمان (۱۳۷۴). اطفال و جوانان بزهکار، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

دانش، تاج زمان (۱۳۸۵). دادرسی اطفال در حقوق تطبیقی، تهران: میزان.

عباچی، مریم (۱۳۸۰). حقوق کیفری اطفال، تهران: مجد.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۶). قواعد عمومی قرار دادهه، جلد ۲، تهران: بهشهر.

گوبریوم، جابر اف و جیمز آ هولشتاین (۱۳۸۴). راهنمای تحقیق مصاحبه‌ای زمین‌ه و روش، ترجمه: معاونت پژوهش دانشکده امام باقر (ع)،

لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش.

مرکز تحقیقات حقوق بشر؛ [برای] سازمان ملل متحد بر نامه عمران ملل متحد (۱۳۸۱). گزیده‌ای از

مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم

سیاسی.

ب) مجله و پایان‌نامه

رجبی پور، محمود (۱۳۸۲). «درآمدی بر پیشگیرانه مقتدرانه پلیس از جرم»، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره سوم.

رجبی پور، محمود (۱۳۸۲). «راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم»، فصلنامه دانش انتظامی،

سال پنجم، شماره چهارم.

ملک‌زاده، امیر (۱۳۸۶). «پلیس اطفال و نوجوانان و نقش آن در دادرسی ویژه اطفال»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز.

پ) قوانین و دستورالعمل‌ها

دستورالعمل تأسیس و راه‌اندازی دفاتر مشاوره و مددکاری در کلانتری‌ها، مصوب ۸۳/۲/۲۵.
قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰
قانونی حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱
قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸
لایحه قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان.
یونیسف (مهرماه ۱۳۸۰). مجموعه مقررات بین‌المللی مربوط به دادرسی ویژه نوجوانان.

لاتین

Curzon, Barrister, L.B, dictionary of law, clarendo press, 1921.

Elizabeth A.martine, a dictionary of law, fourth edition, 1998.

www. Aic. Gov. au. Australian./ police in Australia- issues in
Sustralian policing. Police/ schools institute of criminology.